

# پرتوی از تبلیغ در بلاغ حسین

محمد جواد نوروزی کرمانشاهی

## اشاره:

آموزش، تبلیغ، تقویت و انتقال «فرهنگ اسلامی» به جامعه بشری در دنیای امروز بر عهده عالمان دین؛ به ویژه حوزه‌های علمیه و مبلغان دینی می‌باشد، و به طور کلی روحانیت دنیای اسلام به ویژه عالمان شیعی، امروزه یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ حیات خویش را پشت سر می‌گذارند.

اکنون با توجه به آنچه که تا به حال پیرامون بحث تبلیغ و تبلیغات نگاشته شده، قصد داریم از زاویه‌ای دیگر

نگاهی نو و کاربردی‌تر به مقوله تبلیغ در قرآن داشته باشیم. از اینرو همانطور که قرآن در سوره ابراهیم آیه ۵۳، خود را «بلاغ» نامیده و می‌فرماید: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ...»؛ «این [قرآن] پیام [و ابلاغی] برای [عموم] مردم است تا همه به وسیله آن انداز شوند.» و امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَيَّ أَحَدٌ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غَنَى؛ بدانید هیچ کس پس

\* برگرفته از تفسیر نور، تالیف حجة الاسلام و المسلمین قرائتی با تلخیص و اضافات.

شوند. و حتی وقتی که از سوی خدا مأموریت یافت که همسر و فرزندش را در صحرای مکه ساکن نموده و برای تبلیغ به نقطه‌ای دیگر برود، بی‌هیچ دل‌بستگی، آنها را به خدا سپرد و رفت: ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ﴾؛<sup>۳</sup>

۴. از شیوه‌های تبلیغ آن است که دستورات مشکل، آسان جلوه داده شود. چنانکه قرآن می‌فرماید: فرمان روزه مختص شما مسلمانان نیست، بلکه در امت‌های پیشین نیز این قانون بوده است. و عمل به دستوری که برای همه امت‌ها بوده، آسان‌تر از دستوری است که تنها برای یک گروه باشد: ﴿كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ﴾؛<sup>۴</sup>

۵. سعی کنیم فلسفه بعضی از احکام را برای مردم بیان کنیم؛ زیرا اگر مردم نتیجه کاری را بدانند، در انجام آن نشاط بیش‌تری از خود نشان می‌دهند.

از قرآن، نیاز [فرهنگی] ندارد و هیچ کس قبل از [دریافت حقایق] قرآن، بی‌نیاز نیست. «بر آن شدیم تا با جمع‌آوری، تهیه و تنظیم نکات تبلیغی قرآن کریم در تفسیر نور، جنبه‌های عمومی و روان‌شناختی تبلیغ را بطور فشرده و فهرست وار برای مبلغان دینی استخراج نماییم و امیدواریم مورد توجه و استفاده آنان قرار گیرد.

\* \* \*

۱. مبلغ دین باید خود را برادر مردم بداند همانطور که انبیا با مردم همچون برادر بودند: ﴿أَخَاهُمْ﴾؛<sup>۱</sup>  
 ۲. معارف دینی باید با تدریس و تسبیغ، در اذهان مردم زنده بماند: ﴿اذْكُرُوا مَا فِيهِ﴾؛<sup>۲</sup>

۳. هیچ چیز نباید سد راه مبلغان دین شود، چنانکه حضرت ابراهیم علیه السلام از همه امتحانات و آزمایشات الهی پیروز بیرون آمد، و نه همسر و نه فرزند و نه عمو، هیچکدام نتوانستند مانع او در راه انجام وظیفه و تبلیغ دین

۱. اعراف/۷۳.

۲. بقره/۶۳.

۳. بقره/۱۲۴.

۴. بقره/۱۸۳.

- چنانکه قرآن، فلسفه بعضی احکام، همچون روزه را بیان کرده است: ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾؛<sup>۱</sup>
۱۱. یکی از راههای هشدار و تبلیغ، اظهار تأسف بر حال منحرفان است: ﴿وَمَاذَا عَلَيْنِهِمْ...﴾؛<sup>۲</sup>
۱۲. در تبلیغ، چهره‌های علمی و آگاهان جامعه را نیز مورد خطاب قرار دهیم، چراکه قرآن آنان را مسئول فرهنگ جامعه معرفی نموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا﴾؛<sup>۳</sup>
۱۳. مبلغان دین آگاه باشند که وظیفه آنان نیز مانند پیامبران، تبلیغ است، نه تحمیل: ﴿وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾؛<sup>۴</sup>
۱۴. شیوه تبلیغ و تشویق، باید مرحله‌ای باشد. چنانکه قرآن فرمود: ﴿لَا يَسْتَوِي﴾، سپس فرمود: ﴿دَرَجَةً﴾ و
۷. در تبلیغ، به دنبال طرح و بیان مشترکات یکدیگر باشیم: ﴿كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنِنَا وَبَيْنَكُمْ﴾؛<sup>۵</sup>
۸. در تبلیغ و دعوت دیگران، باید به عقاید حقّه و مقدّسات طرف مقابل، احترام گذاشت: ﴿كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنِنَا وَبَيْنَكُمْ﴾؛<sup>۶</sup>
۹. مبلغ می‌بایست دارای اندیشه آزاد و شخصیت مستقل باشد: ﴿لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا﴾؛<sup>۷</sup>
۱۰. هر مبلغی باید سرپیچی و اعراض مردم را پیش بینی کند تا مایوس نشود: ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾؛<sup>۸</sup>

۱. همان.

۲. بقره/۲۷۱.

۳. آل عمران/۶۴.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. نساء/۳۹.

۸. همان/۴۷.

۹. همان/۸۰.

تبلیغ، اظهار همراهی با عقیده باطل و سپس رد کردن آن است: ﴿قَالَ هَذَا رِبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأُحِبُّ الْأَقْلِينَ﴾<sup>۸</sup>

۲۲. بیدار کردن فطرتها و فعال نمودن اندیشه‌ها و توجه به احساسات، از بهترین شیوه‌های تبلیغ است: ﴿لَا أُحِبُّ الْأَقْلِينَ﴾<sup>۹</sup>

۲۳. در تبلیغ باید از امّ القری و مراکز مهم شروع کرد و سپس به اطراف پرداخت: ﴿وَلْتُنذِرْ أُمَّ الْقُرَىٰ﴾<sup>۱۰</sup>

۲۴. استفاده از تمثیل، سؤال و مقایسه، در تبلیغ و تربیت مؤثر است:

۱. همان/ ۹۵: ﴿لَا يَنْفَعِي الْفَاعِلُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرِ أُولِي الضَّرَبِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْفَاعِلِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْفَاعِلِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾.

۲. مانده/ ۶۰.

۳. همان/ ۶۸.

۴. انعام/ ۱۴.

۵. همان/ ۱۵.

۶. همان/ ۴۳.

۷. همان/ ۷۱.

۸. همان/ ۷۶.

۹. همان.

۱۰. همان/ ۹۲.

در آخر: ﴿أَجْرًا عَظِيمًا﴾<sup>۱</sup>

۱۵. یکی از شیوه‌های ارشاد و تبلیغ قرآن، بیان سرنوشت شوم بدکاران تاریخ است: ﴿وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ﴾<sup>۲</sup>

۱۶. در تبلیغ، ابتدا به معتقدات درست دیگران احترام بگذاریم، سپس راه خود را نشان دهیم: «تَقِيْمُوا السُّورَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنَ رَّبِّكُمْ...»<sup>۳</sup>

۱۷. یکی از شیوه‌های تبلیغ و هدایت که برای برانگیختن عقل مردم استفاده می‌شود، بیان دلیل در قالب سؤال است: ﴿قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ﴾<sup>۴</sup>

۱۸. در تبلیغ فقط از خدا بترسیم نه از طاغوتها و مردم: ﴿أَخَافُ... رَبِّي﴾<sup>۵</sup>

۱۹. برای افراد لجوج، نه تبلیغ مؤثر است، نه تنبیه: ﴿قَسَتْ قُلُوبُهُمْ﴾<sup>۶</sup>

۲۰. از غریزه منفعت خواهی مردم، در راه تبلیغ و تربیت آنان استفاده کنیم: ﴿مَا لَأَ يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا﴾<sup>۷</sup>

۲۱. یکی از شیوه‌های احتجاج در

﴿نَاصِحَ أَمِينٍ﴾؛<sup>۶</sup> آری، اگر دلسوزی همراه با امانت نباشد خطرناک است، زیرا به خاطر دلسوزی شاید حقوقی نادیده گرفته شود یا قوانینی زیر پا قرار گیرد.

۳۰. انتظار نداشته باشیم همه مردم ایمان بیاورند: ﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾؛<sup>۷</sup>

۳۱. در تبلیغ و تربیت، از عواطف نیز استفاده کنیم: ﴿يَا قَوْمِ﴾؛<sup>۸</sup>

۳۲. در تربیت و تبلیغ گاهی قهر و ترک رابطه نیز لازم است: ﴿فَتَوَلَّىٰ عَنَّهُمْ﴾؛<sup>۹</sup>

۳۳. تبلیغ دین باید همانند پیامبران با دلسوزی و خیرخواهی باشد، و نه خشک و بی‌روح و

﴿أَوْ مَن كَانَ... كَمَن مَّثَلَهُ...﴾؛<sup>۱</sup>

۲۵. در تبلیغ، از خداوند درخواست سعه صدر کنیم؛ چرا که حضرت موسی عليه السلام همین که مأمور تبلیغ شد، در اولین دعای خود از خداوند تقاضای سعه صدر نمود: ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾؛<sup>۲</sup>

۲۶. در تبلیغ و نهی از منکر، ابتدا راههای حلال و معروف ارائه شود، سپس نهی از منکرات و اعلام کارهای حرام. (چنانکه قرآن در آیه ۳۱ اعراف ابتداء حلالها را بیان کرد و سپس در این آیه محرمات را ذکر نمود: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ﴾؛ ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي﴾؛<sup>۳</sup>

۲۷. استناد هر چیز به خداوند باید متکی بر علم و دلیل باشد: ﴿مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا﴾؛<sup>۴</sup>

۲۸. ارشاد و تبلیغ باید متعدد و متنوع باشد تا به نتیجه نزدیک شود: ﴿تُصْرَفُ الْآيَاتِ﴾؛<sup>۵</sup>

۲۹. دلسوزی و امانت‌داری، دو شرط اصلی در تربیت و تبلیغ است.

۱. همان/۱۲۲.

۲. طه/۲۵.

۳. اعراف/۳۲.

۴. همان/۳۳.

۵. همان/۵۸.

۶. همان/۶۸.

۷. بقره/۶.

۸. اعراف/۹۳.

۹. همان.

۳۹. تهمت و جسارت، شیوه و عمل اهل فکر و اندیشه نیست: ﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا﴾؛<sup>۷</sup>

۴۰. اسلام در کنار تبلیغ و موعظه، دین اعمال قدرت و برخورد با پیمان شکنان و اخلال گران نیز هست: ﴿فَشَرِّدْ بِهِمْ﴾ و باید با خط مقدم آنان طوری رفتار شود که مایه عبرت رده های بعدی شود: ﴿مَنْ خَلَقَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾؛<sup>۸</sup>

۴۱. برای تبلیغ باید از هر فرصتی استفاده کرد؛ حتی تبلیغ و ارشاد اسیران جنگی: ﴿قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ﴾؛<sup>۹</sup>

۴۲. به مردم امید بدهید که با کمترین خیری که در دل داشته باشید، می توانید به سعادت برسید: ﴿إِنْ يَغْلِبْ

بخشنامه ای و اداری و مقرراتی: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَاكُمْ﴾ ... ﴿وَنَصَحْتُ لَكُمْ﴾؛<sup>۱</sup>

۳۴. در تبلیغ، نصایح و خیرخواهی را با منافع شخصی آمیخته نکنیم: ﴿نَصَحْتُ لَكُمْ﴾؛<sup>۲</sup>

۳۵. وقتی در تبلیغ به وظیفه خود عمل کردیم، نگران نباشیم که در آینده چه خواهد شد: ﴿فَكَيْفَ ءَأَسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ﴾؛<sup>۳</sup>

۳۶. در تبلیغ و تربیت باید نوع و گرایش مخاطب را در نظر گرفت و هر کدام را با توجه به موقعیت خودش قانع کرد: ﴿أَدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾؛<sup>۴</sup>

۳۷. یک جلوه از طرف حق، هزاران جلوه فریبنده باطل را محو می کند: ﴿فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛<sup>۵</sup>

۳۸. در برنامه تبلیغ، از جوانمردیهای گذشتگان یاد کنیم: ﴿قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ﴾؛<sup>۶</sup>

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. نحل/ ۱۲۵.

۵. اعراف/ ۱۱۸.

۶. همان/ ۱۲۵.

۷. همان/ ۸۴.

۸. انفال/ ۵۷.

۹. همان/ ۷۰.

۴۹. در پاسخگویی به تبلیغات

دشمن، از اصطلاحاتِ خودش استفاده کنیم: ﴿قَالُوا لَأَنفُرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا﴾<sup>۸</sup>

۵۰. تفقه در دین و تبلیغ و آموزش

دین به مردم، واجب کفایی است: ﴿قُلْ لَآتَفَرُّ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ﴾<sup>۹</sup>

۵۱. شرط تبلیغ دینی آگاهی عمیق

و ژرف اندیشی در دین است: ﴿لِيَتَفَقَّهُوا... لِيُنذِرُوا﴾<sup>۱۰</sup>

۵۲. مبلغ دین باید عالم به زمان و

آگاه از شیطنتها و راههای نفوذ دشمن باشد تا بتواند هشدار و بیم دهد: ﴿لِيَتَفَقَّهُوا... لِيُنذِرُوا﴾<sup>۱۱</sup>

اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِيكُم خَيْرًا﴾<sup>۱</sup>

۴۳. برای جلوگیری از

مظلوم‌نمایی دشمن و تبلیغ علیه شما، مردم را در جریان بگذارید: ﴿أَذَانٌ... إِلَى النَّاسِ﴾<sup>۲</sup>

۴۴. هنگام قطع روابط، روزنه‌ای

برای پیوند باقی گذارید: ﴿فَإِنْ تُبْتُمْ﴾<sup>۳</sup>

۴۵. مبلغ باید بداند که انتخاب حق

و پذیرش عقاید صحیح، مهلت می‌طلبد: ﴿فَأَجْرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ﴾<sup>۴</sup>

۴۶. حکومت اسلامی باید زمینه

شنیدن کلام خدا را برای منحرفان فراهم کند، چون انحراف بعضی، به خاطر عدم تبلیغ ماست، نه از روی

کینه، چه بسا اگر حق را بشنوند، تغییر یابند: ﴿حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ﴾<sup>۵</sup>

۴۷. در ایام تبلیغ باید دیدگاه

﴿إِخْدَى الْحُسَيْنِينَ﴾ را برای دوست و دشمن، تبیین نمود: ﴿قُلْ﴾<sup>۶</sup>

۴۸. تبلیغ دلسردکننده و

اخلال‌گری، یکی از روشهای مخالفان است: ﴿قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ﴾<sup>۷</sup>

۱. همان.

۲. توبه/۳.

۳. همان/۳.

۴. همان/۶.

۵. همان.

۶. همان/۵۲.

۷. همان/۸۱.

۸. همان.

۹. همان/۱۲۲.

۱۰. همان.

۱۱. همان.

مردم است؛ چرا که انسان غافل، بیش از هر چیز به هشدار نیاز دارد: ﴿إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ﴾؛<sup>۷</sup>

۶۰. پیام و تبلیغ باید روشن و روشنگر باشد: ﴿تَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾؛<sup>۸</sup>

۶۱. پیامبران هم هشدار می دهند، هم مصالح مردم را بیان می کنند: ﴿تَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾؛<sup>۹</sup>

۶۲. مبلغان دینی نزد خداوند، اجر بزرگی دارند: ﴿إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾؛<sup>۱۰</sup>

۶۳. اگر انبیا و مبلغان دینی به دنبال سوء استفاده بودند، به سراغ اشراف می رفتند، نه فقرا: ﴿لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا﴾؛<sup>۱۱</sup>

۶۴. کسی که هدفش از تبلیغ، مال و مقام نیست، فقیر و غنی در نزد او

۵۳. برای طلاب حوزه ها، دو هجرت لازم است: یکی به سوی حوزه ها و دیگری از حوزه ها بسوی شهرها. لذا ماندن در حوزه ها برای همیشه شایسته نیست: ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ... لِيَتَفَقَّهُوْا... لِيُنذِرُوا... إِذَا رَجَعُوا﴾؛<sup>۱</sup>

۵۴. برای تبلیغ و کار فرهنگی، زادگاه انسان در اولویت است: ﴿لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ﴾؛<sup>۲</sup>

۵۵. علما باید سراغ مردم بروند و منتظر دعوت آنان نباشند: ﴿رَجِعُوا إِلَيْهِمْ﴾؛<sup>۳</sup>

۵۶. محور تبلیغ، باید ایجاد تقوا و یاد معاد باشد: ﴿لِيُنذِرُوا... لَعَلَّهُمْ يَخْذَرُونَ﴾؛<sup>۴</sup>

۵۷. فقها نباید انتظار اطاعت مطلق همه مردم را داشته باشند، چون گروهی هرگز به راه دین و خدا نمی آیند: ﴿لَعَلَّهُمْ يَخْذَرُونَ﴾؛<sup>۵</sup>

۵۸. مبلغ حق اجبار کردن مردم را ندارد؛ چرا که انسان دارای اختیار است و سرنوشت هر کس به دست خود اوست، حتی انبیا هم حق اجبار مردم را نداشتند: ﴿مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾؛<sup>۶</sup>

۵۹. وظیفه مبلغ دین هشدار به

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. یونس/۱۰۸.

۷. هود/۲۵.

۸. همان.

۹. همان.

۱۰. هود/۲۹.

۱۱. همان.



یکسان است: ﴿مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾<sup>۱</sup>؛  
 ۶۵. در تبلیغ به توقع مستکبران  
 اعتنا نکنیم: ﴿مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾<sup>۲</sup>؛  
 ۶۶. در ایام تبلیغ خود حواسمان  
 باشد تا آنها که نزد خدا آبرو دارند طرد  
 نشوند: ﴿مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾<sup>۳</sup>؛  
 ۶۷. مبلغان باید آگاه باشند که  
 کسی را از خود طرد ننمایند؛ چرا که با  
 طرد مؤمنان، چه کسی به یاری دین  
 خدا می آید؟ ﴿مَنْ يَنْصُرُنِي﴾<sup>۴</sup>؛  
 ۶۸. در ایام تبلیغ هیچ گاه رضای  
 مخلوق را با غضب خالق معامله نکنیم:  
 ﴿مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتَهُمْ﴾<sup>۵</sup>؛  
 ۶۹. گرچه انبیا دلسوز مردمند،  
 ولی بر افراد لجوج نباید تأسف خورد:  
 ﴿فَلَا تَبْتَئِسْ﴾<sup>۶</sup>؛

﴿وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا﴾<sup>۹</sup>؛  
 ۷۳. انبیا برای امتها برادرند، نه  
 کاسب، نه فریبکار و حاکم. مبلغ نیز  
 باید این گونه باشد: ﴿أَخَاهُمْ﴾<sup>۱۰</sup>؛  
 ۷۴. اخلاص، از شروط اساسی  
 موفقیت در تبلیغ است: ﴿إِنْ أُجْرِي إِيَّانَا  
 عَلَى الَّذِي فَطَرْنِي﴾<sup>۱۱</sup>؛  
 ۷۵. در تبلیغ به مردم بگوئیم ایمان  
 به خدا و توجه به او، به معنای دور  
 شدن از مال و سرمایه نیست: ﴿تَوَيْتُوا ...  
 يُزِيلُ السَّمَاءَ ... يَزِدُّكُمْ قُوَّةً﴾. اگر ایمان  
 بیاوریم، نه تنها از اموال ما چیزی  
 مطالبه نمی شود، بلکه به آنها افزوده نیز  
 می گردد: ﴿يَزِدُّكُمْ﴾<sup>۱۲</sup>؛

ادامه دارد....

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۷۰. تبلیغ باید نسبت به افرادی  
 باشد که امیدی به ارشاد آنان هست:  
 ﴿فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾<sup>۷</sup>؛  
 ۷۱. برای نجات مردم سخنرانی و  
 تبلیغ کافی نیست، وسیله نجات نیز  
 باید فراهم نمود: ﴿وَاصْنَعِ الْفُلْكَ﴾<sup>۸</sup>؛  
 ۷۲. توجه به حضور خداوند، به  
 مبلغ دین نشاط و دلگرمی می دهد و او  
 را در برابر ناگواریهها مقاوم می کند:

۱. همان.  
 ۲. همان.  
 ۳. همان.  
 ۴. هود/۳۰.  
 ۵. همان.  
 ۶. هود/۳۶.  
 ۷. همان.  
 ۸. هود/۳۷.  
 ۹. همان.  
 ۱۰. همان/۵۰.  
 ۱۱. هود/۵۱.  
 ۱۲. همان/۵۲.